

## حضرت عبدالبهاء

بایران عزیز آنچه در صفحات قبل مذکور گشت بیان حقایقی بود که به عقیده راسخ این عبد در نفس دعوی شارع آئین بعبانی مندرج است و چون با تطبیق تفکر و تأمل در چنین ظهور خارق العاده مجدد و بهای الهی ممکن است در اذهان سوختن فاهماتی ایجاد نماید، لذا سعی گردید رفع هر گونه شبهه شود و معنی و مفهوم الوهیت آن منظر قوه سریه معنویه واضح گردد و مبرهن شود که امر بهائی جمیع شریع قبل را من عند الله میداند و مبادی اصلیه آنان را تصدیق میکند و با هر یک کاملاً مرتبط و متحد است و شایع آئین مقدس بهائی خائمتی را که رؤسای مذاهب مختلفه بدان معتقدند رد نموده با وجود عظمت ظهور خویش این دعوی را حتی برای خود قائل نگردیده است. و نکته اساسی دیگری که توضیح و تبیینش در مرحله فعلی تکامل امر الله لازم بنظر میرسد این بود که حضرت باب مشیر امر حضرت

بهاء الله با وجود دوره کوتاه رسالتش در مقام اول منظر کامله الهیه بوده و در آن همان اختیارات تامه مطلقه میباشند که انبیای اولوالعزم الهی در اعصار سلفین واجد بوده اند.

حال وقت آنست که شأن و مقام حضرت عبدالبهاء در روشن شود. فی الحقیقه ما چنان به عهد حضرت عبدالبهاء نزدیک و مجذوب قوه معنویه مغناطیس وجودش میباشیم که به آسانی نمیتوانیم به هویت و مقام آن حضرت که نه فقط در ظهور حضرت بهاء الله بلکه در سراسر تاریخ ادیان مقام منورید و وجدی داراست پی بریم. حضرت عبدالبهاء در افعی خاص قائم و مرتبش کاملاً با مؤسس و منتشر ظهور بهائی متفاوتست ولیکن بر اثر مقامی که حضرت بهاء الله بوسیله عهد و میثاق به آن حضرت تفویض فرموده با آن دو ذات مقدس جمعاً همیماکل اصلیه ثلاثه آئینی را تشکیل میدهند که در تاریخ روحانی عالم بی سابقه است. حضرتش با آن طلعت مقدسه از رفرف حلیا به مقدرات این طفل ضعیف امر الله ناظر و قبل از تمام هزار سال کامل پیش نفسی و یاهیتی که پس از آن پیکل مبارک بر خدمت مرتبه

قائم گردودسته کز به آن رتبه اسنی فائز نشود . مماثل و مشابه دستن مقام  
حضرت عبدالبهاء با مقام نفوسی که به ردای سلطه و اختیارات حضرتش مشفق  
گردیده اند در حکم تنزیل مقام آن حضرت است این امر به همان اندازه باطل و  
از طریق صواب منحرف است که حضرتش را با بشر و مظهر ظهور در صقع واحد  
قرار دهند . با آنکه بین مقام حضرت عبدالبهاء و مظهر کلی الهی فاصله عظیم است  
ولیکن بین مرکز میثاق و ولی امر مانی که عهده دار وظیفه آن حضرتند ولو  
دارای اسم و رسم و عنوانی عظیم باشند و به توفیقاتی جلیل فائز گردند این فاصله  
به مراتب عظیم است . نفوسی که به شرف لقای حضرت عبدالبهاء فائز شده  
و بر اثر مجادرت با مغناطیس وجودش حب آن حضرت را در دل و جان پرورده اند  
سزاوار چنان است که در پر تو آنچه مذکور گردید اکنون باره مقام مسیح جمال اقدس  
ابنی که به مراتب ارفع و اعظم است تفکر و تدبر نمایند .

چنانکه در نصوص مبارکه مؤسس امر الله و همچنین آثار و الواح مبین آیات الله  
مذکور است حضرت عبدالبهاء مظهر ظهور الهی نیستند و با آنکه وصی پدر بزرگوارند

ولیکن دارای همان تریب و مقام نه و احدی پس از حضرت باب و حضرت بهاء  
نمیواند قبل از انقضای هزار سال کامل ادعای منظریت الهیه نماید .

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس چنین انداز میفرماید :

« من یدعی امری قبل اتمام الف سنه کامله انه کذاب منقرئ من الله

بان یؤیده علی الرجوع ان تاب انه هو التواب ان صر علی ما قال یعبث علیه

من لایرحمه و انه شدید العقاب . » و نیز من باب تاکید میفرماید :

« و من یاؤل هذه الآیة او یفسرها بغیر ما نزل فی الظاهر انه محروم

من روح الله و رحمة التي سبقت العالمین . » و نیز در مقام دیگر میفرماید :

« اگر نفسی بکل آیات ظاهر شود قبل از اتمام الف سنه کامله که هر سنه آن

دوازده ماه بمائزل فی الفرقان و نوزده شمس بمائزل فی البیان که هر شهری نوزده

یوم مذکور است ابد تصدیق ننمایند . »

حضرت عبدالبهاء نیز در تأیید این اندازات به لحن متوکل و شدید میفرماید :

قوله الاصلی : « این است عقیده ثابت راسخه و حقیقت معتقدات و اصح

صریحه این عبد و اهل ملکوت است اینی که جمال مبارک شمس حقیقت ساطع از برج حقیقت  
و حضرت اعلی شمس حقیقت لامع از برج حقیقت ... و اما مقام این عبد  
عبودیت محضه صرفه حقیقتیه ثابته راسخه و اصح من دون تاویل و تفسیر و تلویح  
و تشریح ... من متین آیاتم این است بیان من .

آیا حضرت عبدالبهاء در کتاب و صحایب خود با سخن و بیانی که الذنایین  
میثاق را منکوب و مخدول مینمودند بر دشمنانی را که مدتها سعی داشته اند  
راه دعوی مقامی بالاتر و یا لا اقل برابر با مقام حضرت بهاء الله شتم سازند  
در هم نشکست ؟

از مضمترین قسمتهای حسنین و صحایب مبارک که دستورات و نوایای آن  
مولای عالمیان را الی الابد گوشه و جهانیان میکنند این بیانات است که میفرماید  
« اساس عقائد اهل بهار روحی لهم لهداء حضرت رب اعلی منظر و وحدانیت  
و فردانیت الهیه و بشر جمال قدم . حضرت جمال ابی روحی لاجبانه التابین  
فذا منظر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدمه ربانیه و مادون کل عبادله و کل با برهعلیون . »

از این بیانات واضح و متین که با هر قسم دعوی رسالت بمابینت دارد  
بسیچ وجه نباید این نتیجه را گرفت که حضرت عبدالبهاء قطعی از بندگان جان مبارک  
و یا فقط متین مخصوص تعالیم آب بزرگوارش میباشند. حاشا و کلا که این عبد  
چنین منکری در سر بروراند و یا در صد و القای چنین نظری باشد زیرا محدود  
کردن مقام حضرت عبدالبهاء به این مراتب خیانت و ضحی به میراث مغرور  
حضرت بهاء الله به اهل عالم است . مقامی را که تلم اعلی برای حضرت  
عبدالبهاء معین فرموده بینهایت فیه و منسبع است و براتب بالاتر از آنست که  
از نفس بیانات حضرت عبدالبهاء در حق خود مستفاد میگردد . در کتاب اقدس که  
اعظم و اقدس از جمیع آثار حضرت بهاء الله است همچنین در کتاب عهد و سوره غصن  
اشاراتی از حضرت بهاء الله موجود است که در الواح نازله به افشار حضرت عبدالبهاء  
از راعه آب جلیش نیز تائید گشته و کلا به حضرت عبدالبهاء قدرت و جهت یار  
عنایت میکنند که نسل حاضر هرگز نمیتواند کما یغنی و یلحق به مهیت و معنی آن پی برد .  
حضرت عبدالبهاء در رتبه اولی مرکز و محور عهد و میثاق بی مثل حضرت بهاء الله

و اعلى صنع يد عجايب و مرات صافی انوارش مثل اعلاهی تعالیم و مبتین بصون  
از نظامی آفاتش و جامع جمیع کمالات و منظر کلمه صفات و فضائل بهائی و عظم  
نشعب از اصل قدیم و غصن الامر و حقیقت من طاف حوله الاسماء و مصدر  
و نشاء و وحدت عالم انسانی و رایت صلح عظم و قمر سماء این شرح مقدس  
بوده و الی الأبد نخواهد بود و نام مجرب شهید عبدالبهاء بنحو اتم و احکم و احسن جامع جمیع  
این نعوت و اوصاف است و عظم از کل این اسماء عنوان منیع « سرانده »  
است که حضرت بهاء الله در توصیف آن حضرت اختیار فرموده اند و با آنکه هیچ  
این خطاب نباید عنوان رسالت آن حضرت قرار گیرد و مع الوصف حاکی از آن  
است که چگونه خصوصیات و صفات بشری با فضائل و کمالات الهی در  
مقدس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متحد شده است .

در کتاب مستطاب اقدس این مقام چنین نازل گشته :  
« اذا غیض بحبه الوصال قضی کتاب المبدء فی المآل توجوا الی من اراده  
الذی نشعب من هذا الاصل القدیم . »

و نیز میفرماید : « اذا طارت الورقا عن اکن الثناء و قصدت المقصد  
الاقصی الا تخفی ارجوا ما لا عساه فتموه من الكتاب الی الفرع المنشعب من هذا  
الاصل القویم . »

و نیز در کتاب عهد جمال اقدس الهی به کمال صراحت و تأکید میفرماید :  
« باید اعضان ابقان و متسببین طرأ به غصن عظم ناظر باشند انظروا  
ما انزلناه فی کتابی الاقدس ، اذا غیض بحبه الوصال قضی کتاب المبدء  
فی المآل توجوا الی من اراده الله الذی نشعب من هذا الاصل القدیم .  
مقصود از این آیه مبارکه غصن عظم (حضرت عبدالبهاء) بوده که آنکه ناظر نا ابر  
فضلاً من عندنا و انا الفضال الکریم . »

و در سوره غصن میفرماید : « قد نشعب من سدره المنتهی هذا الیهیکل المقدس  
الابنوی غصن القدس فنبیاً لمن تطل فی ظله و کان من الراقدین قل قد نبئت  
غصن الامر من هذا الاصل الذی استحکم الله فی ارض المشیته و ارتفع فرعه الی مقام  
احاطه کل الوجود فغالی هذا الصنع المتعالی المبارک العزیز المنیع ... قل فضل

من لوح الأعظم كلمة على الفضل وزينها الله به من نفسه وجعلها سلطانا على  
 من على الأرض في عظمتها وقت داره بين العالمين ... قل يا قوم فاشكروا الله بظهور  
 والله لهو الفضل اعظم عليكم ونعمته انتم لكم وبه يحيى كل عظم رميم من توجبه اليه  
 فقد توجبه الى الله فمن عرض عنه فقد عرض عن جمالي وكفر به فاني وكان من  
 المسرفين . انه لو ديعه الله بينكم وامانه فيكم وظهوره عليكم وطلوعه بين عباده  
 المقربين ... اما قد بعثنا على هكل الانسان فتبارك الله مبدع ما يشاء بامر  
 المبرم الحكيم ان الذين هم منغوا انفسهم عن ظل لغصن اولئك تاهوا في العراء  
 واحرقهم حرارة الهوى وكانوا من الهالكين .

ونيز به خط مبارك خطاب به حضرت عبدالبهاء چنين نازل :

« يا بصري عليك بهائي وحب غيايتي وشمس فضلي وسماحتي نسئل الله  
 ان ينور العالم بعلمك وحكمتك ويقدر لك ما يفرح به قلبك وتقر عينك .  
 ونيز در لوحی دیگر چنين مسطور است :

« البهاء عليك وعلى من يخذمك ويطوف حولك والويل والعذاب

من خيالفاك ويؤذيتك طوبى لمن والاك السقر لمن عاداك .  
 اما جعلناك حرزا للعالمين وخطا لمن في السموات والارضين وحصنا لمن  
 بالله الفرد انجيز نسأل الله بان يحفظهم بك ويغنيم بك ويرزقهم بك ويهبك  
 ما يكون مطلع بعثي لأهل الأناشء وبحر الكرم لمن في العالم وشرق الفضل على الأمم .  
 ونيز در مناجاتی که در حق حضرت عبدالبهاء نازل گشته ميفرمايد :

« انت تعلم يا الهى اتنى ما ريدہ الابا اردتہ وما اخترتہ الابا اصطفيتہ  
 فانصره بحسنه وارضاك وسمائك ... اسالك بولہى في حبك وشوقى  
 اطرا امرك بان تقدر له ولجبتہ ما قدرته لسفرائك وامناء وحيك انت انت الله  
 المقدر العتيد . »

ونيز در توقيعی که هنگام توقف حضرت عبدالبهاء در بيروت به افتخار حضرت  
 از لسان جمال قدم نازل و بخط مسيز آقا جان كاتب وحى مرقوم گرديده ميفرمايد :

« حمد لمن تشرف ارض الباء (بيروت) بقدم من طاف حولہ الاسماء بك  
 بشرت الذرات كل المكنات باطالع ولاح وظهور وشرق وخرج من باب السحون

واقعه شمس جمال فضل الله الأعظم لعظیم و ستر الله الأقوم لتدیم متوجهاً الی مقام  
آخر بذلک تکدرت ارض السج و فرحت اخری ... طوبی ثم طوبی لارض فارت  
بقدمه و لعین قرت بحاله و لسمع تشرق باصفا ندائه و لقلب ذاق حلاوة حب  
لصدر حجب بذكره و لتلم تحرك علی ثنائه و للوح حمل آثاره .

حضرت عبدالبهاء در تأیید مقامی که از طرف حضرت بهاء الله به ایشان عنایت  
شده چنین میفرماید :

« به نص کتاب اقدس مرکز میثاق را مبتین کتاب فرمودند که از اول ابداع  
تا یومنا هذ در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته شده . »

با آنکه مقام حضرت عبدالبهاء رفیع و اوصاف و نوعی که حضرت بهاء الله  
در آثار و الواح مقدسه فرزند ارجمند خود را بدان ستوده اند و فیرو کثیر است لکن  
هرگز نباید تصور شود که در نده چنین موهبت خاص نبی نظیری مقامی مطابق با جمالی  
با مقام آب جلیش که نفس منظر ظهور است دارا میباشد . هرگاه الواح و آیات  
ذکوره بدین نحو تعبیر و تفسیر گردد و واضحاً مشهوداً مباین با بصوص قاطعه و تحذیراتی است

که از قبل بدان اشاره گردید چنانکه مذکور شد نفوسی که نسبت به مقام حضرت عبدالبهاء  
راه مبالغه میپیمایند همان درجه مضروب و مستحق ملامت و سزایند که آنانکه مقام  
حضرتش را تنزیل میدهند زیرا با اصرار در استنباطات و احی خود آثار حضرت  
بهاء الله من غیر عهد بهانه بدست دشمن داده منقربات کاذبه و اظهارات ایشان  
را که سبب تخدیش اذهان است تأیید میکنند بنا بر این لازم میدانم بدون هیچگونه  
شائبه شک و تردید تصریح نمایم که نه در کتاب اقدس نه در کتاب عهدی یا سوره  
غصن و سایر الواحی که از پیرایه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نازل گشته  
بهیچوجه نصی دیده نمیشود که نمویده « وحدت معنوی » حضرت بهاء الله و  
حضرت عبدالبهاء باشد و یا حضرت عبدالبهاء را با آب جلیش و یا یکی از منظر  
قبل در یک مقام قرار دهد . پیدایش این عقیده باطل تا حدی ناشی از تفسیر  
اغراق آمیز بعضی از اصطلاحات و عبارات لوح غصن بوده و یا بعبارت آن است  
که در ترجمه آن لوح منسب به لغت انگلیسی پاره ای کلمات وارد شده که یا  
در اصل لوح وجود نداشته و یا مبهم و یا منحرف از معنی بوده است ولی علت اصلی

این اشتباه بلاشک استنباط ناصواب از عبارات اولیه یکی از الواح حضرت  
 بهاء الله است که مستخرجاتی از آن در کتاب «Bahá'í Scripture»  
 بلافاصله قبل از لوح غصن درج شده ولی جسراً آن لوح نیست .  
 نفوسی که این آیات را تلاوت نمایند باید متذکر باشند که مقصود از  
 لسان قدم « خداوند » است لا غیر و کلمه « اسم عظیم » اشاره صریحی است  
 به حضرت بهاء الله و « عهدی » که به آن اشاره شد عهد خاصی نیست که حضرت  
 بهاء الله مؤتمس و حضرت عبدالبهاء مرکز آن میباشند بلکه عهد کلی الهی است  
 که بر طبق تعالیم جهانی خداوند همواره در هر ظهوری از بندگانش اخذ نمایند و  
 مقصود از « لسان التدم پیشراهل العالم » که در آن فقرات مذکور است ندا  
 الهی به حضرت بهاء الله است نه خطاب جمال تدم به حضرت عبدالبهاء بعداً  
 عبارت « انه نفسی » حاکی از وحدت معنوی خداوند و مظاهر ظهور الهی است  
 که در کتاب مستطاب ایتقان نیز بیان گردیده نه آنکه حضرت عبدالبهاء نفس حضرت

۱- مجموعه ای از الواح حضرت بهاء الله که به لسان انگلیسی ترجمه شده است .

بهاء الله باشند چنین عقیده ای با اصل وحدت مظاهر الهیه که گرازا در الواح  
 و بیانات مبارکه تصریح و در فقرات مذکور نیز تلویحاً تأکید گردیده است میباید  
 و تناقض است .

قبول این عقیده بمنزله رجوع به عقاید خنصرافیه غیر معقولی است که  
 در قرن اول مسیحی بطور غیر محسوس در دینت مسیح رخنه کرد و به تدریج به عقاید  
 و سنن مسیحی تبدیل شد که آن آئین را از نفوذ و تأثیر باز و مقصد جلیش را از نظر  
 مخفی پنهان داشت .

حضرت عبدالبهاء در تفسیر لوح غصن چنین میفرماید :

« این عهد میگوید معنای حقیقی و تحقیق معانی و تراسر این آیات  
 و کلمات و ابیات عبودیت آستان مقدس جمال الهی است و محویت و فنا  
 و ضمهال محض در عقبه مبارکه و عهد تاجی الودج و ایللی ابلیل و خنصر بر فی ملکوت  
 السموات و الارض و اباھی به بین المشرقین لیس لاحدان یفسر بغير هذا  
 و هذا هو الحق المبین ... این عهد به نص قاطع کتاب اقدس و صریح آیات کتاب

عهد مبین واضح آیات الله ... و هر کس تجاوز نماید متابعت را نمی بخشد .»

گذشته از این هر گاه مرکز عهد و میثاق را با شارع این آیین مقدس یکی ندانیم  
بالتجربه باید مقام حضرت عبدالبهاء را ما فوق مقام حضرت باب قرار دهیم و حال آنکه  
عکس این موضوع اصل اساسی این دین است و لولا آنکه هسنوز عموم بر آن پنهان  
نبرده اند . داشتن چنین عقیده ای مقررات ناقصین میثاق را که در تمام دوره  
حضرت عبدالبهاء در مسموم ساختن افکار و تجدیش اذیان پیروان با وفای حضرت  
بهاء الله کوشیده اند نایب نخواهد نمود . اما آنچه بیشتر مقرون به حقیقت و با اصول  
تعالیم حضرت بهاء الله و حضرت باب موافق است آنست که به جای این تصور و  
در باره حضرت عبدالبهاء بتشریح این آیین نازنین را حقیقت واحد و نیم چنانچه  
سوره مکه بصرحت بیان مؤید این نکته است قوله الاعلی :

« لو كان النقطه الاولى على زعمك غيري و يدرك لقائي لن يفارقني ويتانس  
بفسي و استانت بنفسه في آيامي . » و نیز از سلم علی نازل :

« قل لله ان هذا النقطه الاولى قد ظهر في قميصه الاحمرى . »

و نیز در لوحی به افشار یکی از وفات حق خطاباً بنفسه میفرماید :

« ان هذا هو الذي ظهر في استين . »

و همچنین در سوره دم میفرماید :

« و هل من ناصر نضر جمال الاولى في طلعه الاخرى . »

و از طرف دیگر در آثار مبارکه ظهور حضرت باب را بعنوان ظهور قبلی خود توصیف

فرموده اند . بنا بر آنچه ذکر شد حضرت عبدالبهاء از جمله مظاهر الهیه نیستند بلکه  
مستقیماً از شارع و مؤسس امر جهانی اقتباس نور و الهام و فیض میفرمایند و به مثابه  
صافیة کامله انوار عظمت و جلال حضرت بهاء الله را منعکس میکنند و ذاتاً و اجده  
حقیقت محیطه غیر قابل وصفی که مختص بسایه الهی است نمیباشند و کلماتشان  
با آنکه همان قوت و اعتبار کلمات حضرت بهاء الله را دارا است در رتبه و مقام  
با آن برابرند و نباید آن حضرت را رجوع مسیح یعنی ظهور ابنی دانست که در جمال  
آب آسمانی ظاهر میگردد .

این بیانات حضرت عبدالبهاء خطاب به اجبای امریکه که مسکلت انجام



این رساله میگردد خود نیز دلیل دیگری بر تائید این تحقیق است. قوله الاصلی :  
 « مرقوم نموده بودید که در بین اجتهاد در خصوص رجوع ثانی مسیح اختلاف است  
 سبحان الله به کرات و مرآت این مسئله بیان آمده و بصیح عبارت از قلم عبید  
 جواب صادر گردیده که مقصود از نبوات در خصوص ربّ است و مسیح موعود  
 مراد جمال قدم و حضرت اعلی است ، نام من عبد البهاء است صفت من  
 عبد البهاء است حقیقت من عبد البهاء است نعت من عبد البهاء است . رقیبت  
 به جمال قدم کلّیل و تاج و تاج من است و خدمت به نوع انسان است  
 قدیم من ... نه اسمی دارد نه لقبی نه ذکر می خواهد نه نعتی جز عبد البهاء .  
 این است آرزوی من . این است اعظم اعمال من . این است حیات ابد  
 من . این است عزت سرمدی من . »

## نظم اداری

یاران یاوران حضرت عبد البهاء ستم هایت الهیه که شیخ احمد و سید کاظم  
 طلوع آنرا از افاق شیراز بشارت داده بودند در سیر به اقطار غربیه در آورند به اوج  
 اعلی رسید آخر الامر با صعود حضرت بهاء الله در افاق عکا غروب نمود و دیگر قبل از  
 انقضای هزار سال تمام طلوع خواهد کرد غروب چنین کواکب لامعی در نزول  
 وحی الهی را که هستم اقدام مرحله دور بهائی است بکلی خاتمه داد .  
 صرف نظر از مدت کوتاه بین شهادت حضرت اعلی و نزول وحی بر جمال بهاء  
 در سیاه چال طهران این دوره که حضرت باب آنرا آغاز فرمودند و در زمان  
 حضرت بهاء الله به ذره علیا وصل شد و به بشارت و نفوت جمیع نبیای  
 این کو عظیم مسبوق است به نزول مستمر آیات در مدتی قریب به پنجاه سال  
 ممتاز و بدین سبب از حیث ثمرات و طول مدت وحی در سر تایخ ادیان  
 بی سابقه و نظیر است .

با صعود حضرت عبدالباق نیز عصر رسولی این ظهور که اولین مرحله آمین بائین  
ماست خاتمه یافت. عصری که شکوه و جلالتش به حدی است که عظمت فتوحات  
امراش در مستقبل ایام در مقابل آن جلوه و ظهوری نکنند تا چه رسد به اینکه از تحت اشعاع  
قرار دهد. زیرا موفقیت های بانیان مشروعات کنونی امراش و فتوحات باهره  
که در مستقبل ایام نصیب باسلان عصر ذهبی خواهد بود با اعمال حیرت بخش نفوسی که بسبب  
حیات امرالهی گشته و اساس اصلیه آنرا بنیان نهاده اند برابری ننماید و  
صقع واحد در نیاید. آن عصر اول و خلاق دور بهائی باید بنفسه از عصر تکوین  
که بدان اردگشته ایم و عصر ذهبی که متعاقب آن خواهد بود اولی و متمایز باشد.  
حضرت عبدالباق حاضر مقامی است که در ادیان معتبره عالم بی نظیر و  
شیل است. میتوان گفت که آن حضرت عصری را که خود منتسب به آن بود  
ختم بخشید و عصر ثانی را افتتاح فرمود که ماحال در آن قائم به خدمتیم.  
به این ترتیب الواح و صایا حلقه ارتباط ابدی و لاینفصمی است که سرانته الاعظم  
حضرت عبدالباق جهت ارتباط اعصار ثلاثه امرحباتی به وجود آورده است

بنابر این عصر نشو و نمای تدریجی نذر امراش با عصر ازهار و عصر بعد از آن که  
مالاً اثنار ذبسته اش به بار میاید مرتبط و پیوسته است.  
قوامی خلایق منسبغه از شریعت حضرت بهاءالله که در هویت حضرت عبدالباق  
حلول نمود و توسعه یافت در اثر تماس و تاثیرات متقابله سندی بوجود آورد که  
میوان آنرا به سطره دستور نظم بدیع عالم که در عین حال افکار این کور اعظم و نوید  
آن است تلقی نمود. لذا الواح و صایای مبارکه را میتوان به منزله ولیدی دانست  
که طبعاً از قرآن معنوی آن نافع قوه مولده مشیت الهیه با واسطه ظهور و حامل برگزیده  
آن قوه به وجود آمده. چون الواح و صایا ولید عهد و میثاق است یعنی هم وارث  
شایع و هم وارث مبین شریعت الله، لهذا نمیتوان آنرا نه از موجود قوه فاعله الهیه  
و نه از آنکه آنرا مالاً بار آورده مجزئی نمود. باید بهواره به خاطر داشت که منویات  
منیعه حضرت بهاءالله به نحوی در روش و حالات حضرت عبدالباق نفوذ و سران  
یافته و مقاصد آنان به قسمی با یکدیگر ممزوج و مرتبط گشته که صرف مبادرت به اشعاع  
تعالیم جمال متمدن از تالیفات که مثل اعلامی همان تعالیم وضع فرموده به منزله ردی که از

مقدّمترین حقایق اساسیه این آئین شمار میرود .

نظم اداری امرائیه که ازین صعود حضرت عبدالهّا تاکنون همواره در نشو و نما بوده و در مقابل انظار اهل بحال لاقول در چهل تسلیم از اقا لیم جهان مجسم و مصور گشته بمنزله قالب الواح و صایای مبارکه است که این طفل نوزاد در آن حصن حصین پرورش یافته و رشد و نمائینماید این نظم اداری چون توسعه یابد و اساسش محکم گردد قطعاً قوامی مکنونه و آنچه را که در هویت این سند خطیر که مرآت مجلای نوایای یکی از عظم طلعات دور حضرت بهاء الله است ظاهر و آشکار خواهد نمود و همینکه اجزای مرکبه و تائسیات اصلیه اش با کمال اتقان و جدیت شروع به فعالیت نمود دعوی خود را مبرهن داشته ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آنرا داراست که بمنزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل است و باید در میقات خود عالم انسانی را نشانه گیرد .

در این خصوص باید متذکر گردید که این نظم اداری اساساً با آنچه بنیامی سلف وضع فرموده اند متفاوت است زیرا حضرت بهاء الله به نفع اصولش را بیان و تائیس

را استوار و متین گنجه اش را معین فرموده اند و بهیچینی که مأمور تکمیل و تنفیذ حکام شرعیّه اش بوده خستیمارات لازم عنایت کرده اند و این جمله خود ر فرمودت امرائیه ما به الامتياز از سایر ادیان و ضامن حفظ و وقایش از اشتقاق و تجزیه است در هیچیک از کتب مقدّمه ادیان عالم حتی در آثار حضرت اعلیٰ نیستون راجع به عهد و میثاق و تدارک نظم اداری خصوصی یافت که از حیث درجه و اعتبار با آنچه در این مورد در اساس آئین هائی است قابل قیاس باشد . آیا فی مثل در میثاق و یا اسلام که دو نمونه بارز از ادیان کثیر الاثنا مشرک عالمند میتون چیزی یافت که با کتاب عهدی یا الواح و صایا قیاس گردد و یا معادله نماید ؟ آیا نصوص بحال و یا قرآن هیچیک به رؤسا و مجامعی که مدعی مقام تبیین و حق تفسیر مندرجات کتب مقدس و اداره امور جامعه خود بوده اند خستیمارات کافیه اعطا مینماید ؟ آیا پطرس قائد مسلم حواریون امیر المؤمنین علی پسر عم و وصی شرعی حضرت رسول دارا شود و نصوص صریحی از حضرت مسیح و حضرت محمد بوده اند که مؤید بر ولایت ایشان باشد و بتواند منکرین آنان را که چه در زمان حیات چه در ادوار بعد با مخالفت خود

سبب اشتقاقی که تا امروز باقی است گشته اند ملزم به سکوت نماید؟ آیا در لیدر  
از آثار مضبوط حضرت مسیح درباره خلافت و نزول احکام مخصوصه و دستورات  
صریح اداری که کاملاً از مبادی روحانی متمایز باشد چیزی میتوان یافت که  
قابل قیاس با اوامر مشروح و قوانین محدود عدیده‌ای باشد که در نصوص آثار حضرت  
بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نازل گردیده است؟ آیا هیچیک از آیات قرآنیه  
که از حیث قوانین شرعی و دستورات اداری فرائض دینی بر ادیان منقطع سالفه تقدم  
بازری دارد نخست مستلزمی را که حضرت محمد شفاهاً در موارد عدیده به وصی خود اعطا کرده بود  
بر اساس متنی استوار میسازد؟

شایع آئین بابی نیز هر چند تا حدی بوسیله کتاب بیان فارسی از برای اشتقاقی  
که در مکتب مسیحیت و اسلام گردید کاست و لیکن آیا میتوان گفت برای صیانت  
امرش اساس صریح و مؤثرتری گذاشته است که با آنچه الی الابد باید ضامن وحدت  
در میان پیروان حضرت بهاء الله باشد برابری کند؟

تنها این آئین در میان ادیان سالفه بر اثر دستورات صریح و اندازات مکرره و

نصوصی که کافل صون و وقایت امر الله است بنیانی نهاده است که پیروان بگشتند بذا  
تشیست و در مانده عالم باید به آن نزدیک شده در آن تأمل و تمعن نمایند و تا وقت باقی  
است در کشف صلح و سلام خلل ناپذیر عالمگیرش مجاب و مقرر جویند .

پس عجب نیست که حضرت عبدالبهاء که با کتاب وصایایش مؤسس چنین نظم  
عظیم و بدیع و مرکز چنین میثاق متینی است به این بیانات ناطق باشد ؛  
« از اول ابداع تا یومنا هَذَا در ظهور منظر مقدسه چنین عهد محکم متینی  
گرفته نشده . »

و نیز در تاریکترین و خطرناکترین ایام عهد خود چنین فرموده است :

« به تدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد الان بیدار  
انبات است و آغاز ظهور آیات تینات . »

و اینست کلمات اطمینان بخش آنحضرت که تشریح نفع نظم بدیع مقرر در الواح  
وصایا است ؛

« لا تخافی اذا قطع هنذا الغضن من ارض الناس ان تسقط الوترقات

بل تنبت الورقات لان هذا النضن ينوب بعد القطع من الارض و يعالج حتى تظليل  
على الآفاق و تصل اوراقها الى الأوج الأعلى و شمر شمراة معطرة للآفاق .

کلمات مبارکه ذیل را هیچ چیز به قدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهاء  
از خود به ظهور خواهد رسانید حمل نتوان نمود . نظمی که شالوده حکومت عالمگیر جهانی در  
مستقبل ایام است قوله الاعلی :

« قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و خلف الترتیب بهذا البدیع الذی  
ما شهدت عین الأبداع شبهه . »

حضرت باب بنفقه در اشارتش به من نظمیه الله انوار و ستایش از نظم  
بدیعی مینماید که باید ظهور حضرت بهاء الله آنرا ظاهر فرمایند .

در باب سوم از بیان فارسی این آیه ممتعه مذکور است :

« طوبی لمن نظیر الی نظم بهاء الله و یسکر به فانه یظفر و لا مرد له من عند الله »

فی بیان .

در الواح حضرت بهاء الله که در آن اساس بیت عدل بین المللی و بیوت عدل  
محتلی صریحاً معین و مقرر گشته است ؛ در مؤسسه ایادی امر الله که بدو حضرت بهاء الله  
و سپس حضرت عبدالبهاء آنرا بوجود آوردند ؛ در اساس محافل روحانی محتلی و مکی که تقریباً از  
صعود حضرت عبدالبهاء در مرحله جنینی خود به ایفای وظیفه مشغول بودند . در اختیار  
که شارع آئین ما و مرکز میثاق در الواح خود به این محافل عنایت فرموده اند ؛  
در اساس صندوق خیریه محتلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص حضرت  
عبدالبهاء خطاب به پاره ای از محافل روحانی در ایران بوده است ؛ در آیات کتاب  
مستطاب اقدس که در آن تلویحاً به اساس ولایت امر انجبار گشته ؛ در باره اصل توارث  
و تقدم ولد ارشد که در جمیع شرایع گذشته معمول بوده است و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح  
خود آنرا تأیید میفرمایند ؛ در جمیع این موارد آثار و علامت اولیة این نظم اداری و پسران آن  
مشهود است که حضرت عبدالبهاء آنرا بعد از الواح و صایای خویش اعلام و برقرار فرمودند .  
حال لازم است به تبیین خصائص و وظائف ولایت امر و بیت عدل دو رکن  
این بنیان مشید نظم اداری مبادرت گردد .

تشریح کامل عناصر مختلفه ای که با این مؤسسات انجام وظیفه مینمایند خارج از حدود و مقصود این رساله است که مضمون حقایق اساسی امر الله میباشد .

تیسین و تشریح کامل روابطی که این دو رکن اساسی الواج و صیایای حضرت عبدالبهاء را به یکدیگر متصل و هر یک را به شارع آئین و مرکز میثاق مرتبط مینماید وظیفه است که نسلهای آینده آنرا کاینسبغی و یونق ایفا خواهند نمود منظور فعلی این عهد است که با آنکه حال بدایت ظهور است و درک عظمت این نظم چنانکه باید قیاس نیست به ذکر بعضی از خصائص بارزه این دو رکن منظم اداری پردازم که قبلاً به صراحت بیان شده و عدم وقوف بر آن قابل عفو و اغماض نیست .

در بدو امر باید به نهایت وضوح و بدون هیچ ابهامی مذکور گردد که این دو مؤسسه نظم اداری حضرت بهاء الله اساسش من عند الله است و وظائف خطیر و ضروری مرام و مقصدشان کمال یکدیگر . هدف مشترک و اساسی این دو مؤسسه آنست که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله بوده و از نفس منظر ظهور سر چشمه گرفته است حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و در صلا

و جامعیت تعالیمش را صیانت کند و به مقتضای زمان قوانین غیر منصوصه را شرح نماید و چون این دو مؤسسه لایق تقسیم متفقاً به جسمی و وظائف پردازند اموریت پذیرد و اقدامات جامعه مرتبط گردد و مصالح امر الله ترویج یابد و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه اش حمایت گردد هر یک منفرداً در حدود اختیارات معینه و وظائف خود را انجام میدهد و دارای تشکیلات فرعی است که برای اجرای مسایه و وظائف و تکالیف آن مقرر گشته است و نیز قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال مینماید و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه مسیحا یک با یکدیگر تناقض نیست و بهیچوجه از مقام و اهمیت دیگری نمیکاهد و گذشته از اینکه غیر متجانس و ناهم اساس هم نیستند اختیارات و وظائفشان کمال یکدیگر است و اساساً در مقاصد و نوایا همواره متحدند .

هر گاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاء الله منترج شود اساس این نظم منترزل و الی الابد محسورم از اصل توارثی میگردد که به فرموده حضرت عبدالبهاء در جمیع شراعی الهی نیز برقرار بوده است . حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخاری از

اجبای ایران نازل گردیده میفرماید :

« در جمیع شرایع الهیه و لدبکر اقیانات فوق العاده داشته حتی میراث

نبوت تعلق بر او داشت . »

بدون این مؤتسه وحدت امرالله در خرافت و بنیانش متزلزل گردد و از اثرش

بکاهد و از واسطه فیهی که بر عواقب امور دینی دهور احاطه دارد بالمره بی نصیب ماند

و بدایستی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه تخمین ضروری است سلب شود .

و چنانچه بیت عدل عظم که اساساً همیش از ولایت امر کتر نسبت از آن منترج

گردد نظم بدیع حضرت بهاء الله از جریان باز مانده و دیگر نمیتواند حدود و احکام

غیر منصوصه تشریحی و اداری امرالله را که شارع عظمی متعدد در کتاب اقدس نازل

تکمیل نماید .

حضرت عبدالبهاء راجع به وظائف ولایت امرالله در الواح و صایا میفرماید

اوست « بسین آیات الله » و این عنیاً عبارتی است که آن حضرت در موقع

اعتراض ناقضین میثاق به مقام تبیین از نصوص مبارکه حضرت بهاء الله ختمیاء فرمود

در رد آنان اظهار میداشتند و نیز میفرماید : « و من بعده بکراً بعد بکری یعنی در سلاله او . »

و ایضاً میفرماید : « حسن مبین امرالله به اطاعت من بود ولی امرالله محفوظ و مصون

ماند و اعضای بیت عدل و سبع اصحاب افغان ایادی امرالله باید بحال اطاعت

و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امرالله داشته باشند . »

و در مقام دیگر حضرت بهاء الله در ورق هشتم از فرودس اعلی میفرماید :

« آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل شده باید امانی بیت عدل

مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند آنه لیمهم ماشیاء و هو المبد بر اعلیم . »

حضرت عبدالبهاء در الواح و صایا میفرماید :

« مرجع کل کتاب اقدس بر مسئله خیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی

به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقق یابد همان حق مراد است

است من تجاوز عنه فهو ممن احب الشقاق و اظهر التناق و عرض عن رب الملیاق . »

حضرت عبدالبهاء نه فقط بیانات مذکوره در فوق را که از ایراعه حضرت بهاء

نازل گشته تأیید میفرماید بلکه به این مهدیت حق و ختمیاء آنرا اعطاء فرموده است

که به اقتضای زمان قوانینی را که خود یا هر یک از هیئت عدل سابق تقنین کرده اند نسخ نماید چنانچه در الواح و صایا به صراحت میفرماید :

« چون بیت عدل واضع قوانین غیر منصوصه از معاملات است نسخ آن

مسائل نیز تواند بود . » « زیرا نص صریح آئی نیست . »

و نیز این کلمات اگیده را در باره ولایت امر الله و بیت عدل عظم بیان میفرماید :

« فرع مقدس ولی امر الله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تائیس و

تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال الهی حراست و عهت فاضل از حضرت

اعلی روحی لها الفداست آنچه قرار دهند من عند الله است . »

از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر متین آیات الله و بیت

اعظم واضع احکام غیر منصوصه است . تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش

همانقدر مورد تمکین انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و

امتیازاتش وضع قوانین احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله است هیچیک از

این دو نمیتواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود.

هیچیک در صد ترتیف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمه دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد .

هر چند ولی امر رئیس لا ینزل این مجلس فخم است مع هذا نمیتواند بنفسه حتی بطور

موقت واضع قوانین احکام گردد و یا تقسیمات اکثریت اعضای مجلس را تعیین نماید

و لیکن هر گاه تصمیمی وجداناً میان ما بر وجه آیات منزله شخص دهد باید ابرام و تأکید

در تجدید نظر آن نماید .

ولی امر مبتنی بر نصوص است و جز به سمت عضویت عدل اعظم وضع قانون نمیتواند

و به تنهایی ممنوع از تدوین ایناسنامه است که برای تمثیت امور و ایفای وظایف

بیت عدل لازم است و نمیتواند نفوذ خود را بر انجمن اعمال کند که آزادی انتخابات

اعضا بیت عدل اعظم که وظیفه مقدس هیئت عدل خصوصی است سلب گردد .

باید بخاطر داشت که حضرت جدها بهما در لوجی که به افتخار سه نفر از اجزای ایران

که در خصوص مرجع اهل بیت بعد از صعود سوال نموده بودند مدتها قبل از صعود اخبار

به موضوع ولایت امر فرموده اند . قوله الاعلی :



« ان هذا السر مصون في صدق الامر المختوم كاللؤلؤ المكنون وسيلوح  
انواره ويشرق آثاره ويظهر اسراره . »

بایران عزیز آسمی هر قدر مقام ولایت امر در نظم بدیع حضرت بهاء الله جلیل و وظایف  
حیاتی و مسئولیتش سنگین و غمایاتی که در حق او در کتاب و صحایب نازل گشته موفور باشد  
نباید نسبت به مقامش مبالغه نمود. ولی امر هر چند حائز لیاقت و مصدر امور مهمه باشد  
هرگز نباید به مقام سرمد مرکز ثقیاب ترفیع داده شود و محاشل و شریک حضرت عبد  
ملحوظ گردد تا چه رسد به اینکه مقام منظریت ظهور به او نسبت داده شود .

چنین انحراف شدیدی از اصول موضوعه امر الله کفر محض است چنانچه قبلاً در  
مربوط به مقام حضرت عبدالبهاء اشاره گردید هر چند میان حضرت عبدالبهاء  
و منظر ظهور آسمی فاصله باشد با فاصله میان مرکز ثقیاب و ولایت امر  
قابل قیاس نیست .

فی بحقیقه فاصله میان ولی امر و مرکز ثقیاب براتب آرید از فاصله میان مرکز ثقیاب  
و شارع آسمین آسمی است و ذکر این نکته را وظیفه مبرمه خود میدانم که هیچ ولی امری نیست  
و شایسته نیست

ادعا نماید که مثل اعلامی تعالیم حضرت بهاء الله است یا آنکه مرات صافی است  
که انوار حضرتش را منعکس میسازد . و هر چند ولایت امر الله در ظل صیانت محال  
ابهی و حراست و عصمت فاضل از حضرت اعلی در وظیفه و حق تبیین تعالیم بهائیه  
شریک و سهم حضرت عبدالبهاء میباشند ولیکن اساساً در رتبه حدودات بشریه  
واقفند و برای ایفای به عهدیت و تدریجاً بهیچ عنوان حقوق امتیازات و اختیارات  
را که حضرت بهاء الله به فرزند جلیلیش عنایت فرموده به خود نسبت دهند .

در پرتو این حقیقت مناجات نمودن به سوی ولی امر الله اورا رب یا  
آقا خواندن ، عنوان تقدس و بی دادن ، تبرک از او طلبیدن ، میلادش را  
جشن گرفتن و یا تجلیل هر واقعه ای که ارتباط به حیات وی داشته باشد کل در حکم  
انحراف از حقایق مقرر است که در کون آئین با زمین ناممکن و مندرج است . (۱)

(۱) حضرت ولی امر الله در این باره به فارسی میفرماید قوله الاحلی :  
« رجای خیرم نیست که در مراسلات و مذاکرات اجبای آسمی جنبه به روشنی افندی امر اخطاب  
نمایند و فقر و مباهات این عهد به این نام است پس چه که از فرم بصر صادر میگشت و در نظرم از هر گونه  
اسم و لقبی عزیز تر و شیرین تر و شرفیتر است و همچنین احترامات فائده و تنظیم و تکریم از هر تبیل صحاب  
و مباین حال آئین این عبادت نظر برادرانه نمایند و این نظر را در اعمال و اقوالشان نسبت به این

و مقام تفسیر تبیین آیات و کلمات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء که مخصراً به  
ولی امر الله عنایت شده مستلزم آن نیست که او در رتبه و مقام آن بهایک معده  
قرار دهد. ولی امر میتواند با احراز حق تبیین ابیغای و طائف و مشوکیات خویش در  
در عین حال از حیث رتبه و مقام ما دون آن دو نفس بزرگوار و متفاوت با آنان باشد.  
ولی امر حاضر و و لاه امر در مستقبل آیام باید با اقوال و اعمال خود کاملاً بحقیقت این  
مهم آئین با زمین با شهادت دهند و باروش و سلوک خود حقیقت این اصل را بر اساس  
استوار سازند و برای نسل های آینده آیات با هر تالی مصون از اتهامات باشند  
و من به هم خود اگر تامل در قبول این حقیقت مسلم و تردید در اظهار این عقیده راسخ روا  
دارم به بقعه و عتقاد می که حضرت عبدالبهاء به این عهد داشته بیوفائی کرده و نصب  
مقامی نموده ام که فقط به آن حضرت عنایت گشته و این خود گناهی است غیر مغفوره.  
اینک کلیه ای چند در خصوص اساسی که این نظم اداری مبتنی بر آنست و اصل که برای  
تشییت امور مؤسسات مهمه آن لازم است باید بیان گردد. قیاس این نظم فریاد  
با نظامات متنوعه ای که عقول بشری ادوار مختلفه تاریخیته برای اداره مؤسسات

خویش ایجاد کرده است کاملاً خطاست. نفس این قیاس بخودی خود میرساند که به نشان  
و منزلت صنع بدیع مؤتس عظیم الشانش پی نبرده ایم و چون نظر داریم که این نظم  
بدیع عیناً همان بدیعت الهیه است که شریعت غزالی حضرت بهاء الله باید در عرض  
مستقر سازد. البته چنین مقایسه ای را جایز نشماریم. هیچیک از انظمه مختلفه و  
دائم تغییر بشری چه در گذشته و چه در حال چه شرقی و چه غربی علامت مشخصه ای که  
بوسیله آن بتوان استحکام اساس و قدرت فضائل مکنونه در آنها را بسنجید ارائه نمینماید.  
حکومات متحده آینده بهائی که این نظم وسیع اداری بگانه حافظ آنست نظراً  
و عملاً در تاریخ نظامات سیاسی بشری منسبید و وجد است و در تشکیلات ادیان  
معتبره عالم نیز بی نظیر و شیل. هیچ نوع از انواع حکومت دموکراسی یا حکومت  
مطلقه و استبدادی چه سلطنتی چه جمهوری و یا انظمه اشرفی که حد متوسط بین آن  
دو محسوب است و حتی اقسام حکومت دینیته چه حکومت عبرانی و چه تشکیلات  
مختلفه کلیسای مسیحی یا امامت و خلافت در اسلام هیچیک نمیتواند ماثل و مطابق  
نظم اداری بدیعی به شمار آید که به دیدت دارمهندس کاملش ترسیم و تنظیم گشته است.

هر چند این نظم اداری نو ظهور دارای مزایا و عناصر است که در نه حکومت عرفی  
مذکور نیز موجود و لیکن بهیچوجه مطابق هیچیک از آن حکومتات نبوده «از عیوب  
اصلیه و فطریه آنان عاری و مبراست.» این نظم اداری بهائی حقایق تسلیمیه ای را  
که بدون شک در هر یک از انظمه مذکور موجود است به یکدیگر گریخته و ارتباط میدهد  
بدون آنکه حقایق خدادادی را که آن نظم همچنان را مبتنی بر آمنت ضایع و مهمل سازد  
و این امر است که هرگز انظمه فانیه بشری به اجرای آن موفق نگشته است.

نباید بهیچوجه تصور رود که نظم اداری این حضرت بهاء الله مبتنی بر اساس  
دموکراسی صرف است زیرا شرط اصلی آن نوع حکومت آمنت است که مسئول ملت  
باشد و اختیاراتش نیز منتهی بر اراده ملت و این شرط در این امر عظیم موجود نیست.  
باید به خاطر داشت که الواح حضرت بهاء الله با صراحت حاکی از آنست که احکام  
بیت عدل عظم در تمسیت امور اداری امر الله و وضع قوانین لازمه مملکت کتاب آتس  
مسئول شخصین خود نمیشوند و نباید تحت تاثیر احساسات و آراء عوامیه و حتی عقاید  
جمهور مؤمنین و مؤمنات و یا نفوس مستیما ایشان اشخاص نموده دست را گیرند.

بلکه باید سواره در حال توجیه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و برایشان  
فرض است که به اوضاع و احوال جاریه بهیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند و  
به قضایای مرجوعه بدون ثابته غرض رسیدگی کنند. ولی حق نهائی اخذ تصمیم را  
برای خویش محفوظ دارند کلمه مبارکه (انه یلهمم ما یشاء) اطمینان صریح حضرت بهائیه  
به این نفوس است و بنابراین فقط این نفوس مهابط هدایت الهامات الهیه اند  
نه بهیئت شخصین که رأساً و یا بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب مینمایند و این الهام همانا  
روح حیات و حافظ نهائی این طور اعظم است.

بعلاوه نفسی که در این طور اعظم بر حسب اصل توارث برگرسی ولایت جالس است  
خود مبتین گفته اند است و بالتیجه بر حسب سلطه واقعی که بوی تفویض گشته مانند  
چپیک از سلاطینی که در حکومت مشروطه معموله قدرتی نداشته خبر مقام اسمی ندارند  
نیست. و نیز نمیتوان نظم بدیع حضرت بهاء الله را نظیر حکومت استبداد  
مطلق دانست و یا آنرا مقتبس از یکی از حکومتات مطلق العنان دنییه مانند حکومت  
پاپ یا امامت و نظائر آن فرض نمود و برهان قاطع بر این امر آنکه حق تشریح

احکام غیر منصوصه بهائی فقط مختص به بیت عدل اعظم است که اعضای آن نمایندگان  
شعب پیران حضرت بهاء الله اند و این حق مقدس را ولی امر و مؤنسات دیگر  
نمی توانند نصب نمایند و یا در آن دخل و تصرف کنند .

الغایر حرفه قسیمی و شاعران از قبیل غسل تعمید و عشاء ربانی و سایر برهمنی  
عدم سلطه طبقه علما و روحانیون فقدان امتیازات و مقاصد و تمایلات بوروکراسی  
این طبقه ، دستور طرز انتخابات بیوت عدل محلی ملی و بین المللی به تصویب عمومی  
شواهد دیگری بر کیفیت غیر مستبده نظم بدیع بهائی و مشابهت آن به ترتیبات  
دموکراسی در اداره امور است .

و نیز این نظم را که به اسم حضرت بهاء الله مرتبط است نباید با هیچیک از حکومتها  
اشرافی صرف محامل دانست زیرا از طرفی مبتنی بر اصل توارث است و وظیفه مقدمه  
تبیین آیات را به ولی امر تفویض کرده و از طرف دیگر هیئت عالی مقتضی آن به انتخاب  
مستقیم و آزاد بوسیله جمهور مؤمنین مؤمنات معین میگردد .

هر چند نمیتوان گفت که این نظم بدیع از انظمه معروفه عالم مقتبس و لیکن

حاوی عناصر سلیمه ایست که در هر یک از این نظامات مختلفه موجود و در این نظم  
بایکدیگر آمیخته و بتسیام یافته است .

اختیارات موروثی ولی امر الله و وظائف حیاتی و ضروریه بیت عدل اعظم  
و مقررات مخصوصه انتخابات دموکراسی آن بوسیله وکلای جامعه کل حاکی از این  
حقیقت است که این نظم بدیع آبی که هرگز قابل قیاس با هیچیک از انواع حکومتها  
مذکور در آثار ارسطو نیست در اثر اتحاد بر حقایق روحانیه خویش حاضر و ملاحظه عناصر  
صالحه ایست که در هر یک از انظمه آن موجود است این نظم بدیع چون از عیون  
فطریه مسئله انظمه مذکوره مطلقاً عاری و مبرا است هر قدر فروغش است داد یابد و در  
وسعت گیرد به مرور اعصار و دهور به حکومت استبداد و تسلط اعیان و مشهور  
ناظنین و خطبا که عاقبت کلیه تاسیسات سیاسی ناقصه بشری است منجر نگردد و از فساد  
آنان مصون بماند .

پایان حسینز هر قدر اصل مبداء این بنیان رصین نظم اداری مهم و حوجه  
تمیزه اش بی شیل باشد و قایمی که بشهر طورش بوده مرحله اولیه پیشرفتش را اعلام داشته

ارزیت اهمیت مقام کمتری را دارا نیست. چقدر شکر و عبرت بگیر است  
که نظم اداری امراته متدبر جائز است تا حکیم یافته مراحل اولیه نشو و نما خود را پیا  
در حالیکه معاشرت پیقه مذهبی عرفی عصر حاضر در اثر قوای محسوسه ای که بر آنها جها  
است رو به تجزیه و تحلیل می رود.

توجه حیاتی ای که به وجه اتم از مؤسسات صلیبیه این نظم عظیم اتم الاتساع آتی  
ظا هر میشود مومنی را که شهادت و عزم راسخ با بنیان نظم اداری آن فائق آمده  
شعله فتنه و زان انجذاب که بحال شدت در قلوب مبتلین سیار مشتعل است.

مدارج جانفشانی و انقطاعی که مؤتمنین نظم بدیع می پیمایند و معیت نظر و امید  
و اثنی و روح نشاط بگیرند و آسایش خاطر و پاکی عمل و انضباط کامل و تعاضد و یگانگی  
خلل ناپذیری که از مدافین بسیرش به ظهور میرسد، توانایی و لیاقتی که روح نباش  
در جذب عناصر مختلفه و تهبیر آنها از انواع تعصبات و امتزاجشان در قالب خود نشان داده است.

کلی آیت قدرتی است که جامعه فایوس و متنزل کنونی عالم هرگز نمیتواند آنرا انکار نماید.  
حال ظهورات با بهره روح قدسی الهی را که به یکل امر حضرت بهاء الله نغمه حیات می بخشد.

بالم و فغان و خودخواهی و جهالت و تصب و مرارت و نفاق و شرارت دنیائی رنجور  
و پراشوب قیاس نمایند.

« خوف و هراس قانین عالم را معذب ساخته و اقدامات سیاستون حیرت زده  
و بی بصیرت عظیم و بلا اثر گذاشته است. »

ملل عالم با یکدیگر در نهایت ضغینه و عدوان و از هم خائف و هراسان. مطامع  
عاری از حقیقت و اهدا نشان در نهایت سخافت. فی الحقیقه بوج و مرج و فساد و عدم  
ایمان اساس تمدن متفرغ عالم را به صوب فنا و نیستی سوق میدهد.

آیا این فساد استم که خیا در جمیع شعب و شئون افکار و اعمال بشری خست میکند  
با ارتفاع بقدرت حضرت بهاء الله قرین نیست؟ آیا حوادث خیره بیت سال  
اخیر که سبب انقلاب اقالیم ارض گشته در حالیکه سکرات موت تمدنی را اعلام مینماید  
که در شرف تلاشی و ضحلال است دلالت بر در درزه نظم بدیعی ندارد که سفینه  
نجات بشری است و ناگزیر بر جسمه ای های عالم مستقر خواهد شد؟

بلای مبرم الهی سقوط سلطنت و امپراطوریه های پر شوکت و هتنام

در قاره اروپا مطابقاً ما صدر من الصلح الالهی، هبوط مداوم علمای شیخ  
در مطن اصلی جمال قدم، انقضاض سلسله فاجاریه خصم دیرین امرالله انهدام سلطنت  
و خلافت دورکن رکن اهل تن و شبا هت گفت بگنیز آن با حشر بی اوریم  
در او حشر قرن اول میلاد، سیل قوانین عرفی که به معاهد دینیه مصرتهاجم است  
و سبب تضعیف و فای متمسکین به شعائر اسلامی گشته، تذلیل و تحقیر اقوی کنائس  
مسیحیت در روسیه و اروپای غربی و امریکای مرکزی بشهر عقائد و افکار سقیمه که  
مادام و مخرب اساس و بنیان انظمه بظاهر متین سیاسی اجتماعی بشری است.  
علامت نزول بلائی ناگهانی که از جمیع جهات اساس تمدن کنونی را تهدید مینماید و بوجوه  
حیرت بخش سقوط امپراطوری روم غربی را به خاطر میآورد کل شهادت میدهد که  
این انقلاب بر اثر ولادت نظم اعظم امین حضرت بهاءالله در عالم بوجود آمده است  
و هر قدر مضامین مکنونه این نظم دائم الاتساع آتی کشف تر گردد و شاخ و برگ  
آن کره ارض را بیشتر فرا گیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود.  
در خاتمه مذکور میگردد که عصر کنون دوره بحسانی به ارتقاع نظم اداری مخصوص

و این نظم به مثابه صدق برای حفظ و صیانت گوهر گرانهای امرالله است  
و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل صلیبه ایست که این شرع نور  
راه مرحله نحسانی وارد خواهد کرد.

مادام که این نظم هنوز در مرحله طفولیت است زنها که نفسی در ادراک  
کیفیتش به خطارود و یا از آفتش بکاهد یا مقصدش را در گون جلوه دهد.

صخره ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابته الهیه برای عالم  
انسانی در عصر حاضر است، منبع الهامش نفس حضرت بهاءالله است حامی مدافعت  
جنود مجتهده ملکوت الهی است.

ظهور و نشوونمایش نتیجه ابراق دم لا اقل بیت هزار شهیدانی است که چنانچه  
خویش را در این سبیل نثار نموده اند مجوری که مؤسساتش حول آن طائف مضامین محکم  
الواح و صایای حضرت عبدالبهاء است مبادی اساسیه اش حقایقی است که  
مبیین مصون از خطای آیات الهی در خطابات مبارکه خویش در غرب بیان فرموده  
احکامی که برای اداره اش وضع گردیده و وظائفش را تحدید مینماید. صریحاً در کتاب

## فهرست اعلام و اصطلاحات و اہم مواضع

۱۲ - ۴۶	.....	آدم (حضرت)
۱۰	.....	آسمان
۹ - ۱۸ - ۵۰	.....	آفتاب
۹ - ۱۰	.....	تفسیر توقف آفتاب در آسمان
۷۴	.....	آیات قرآنیہ
۱۵ - ۵۷ - ۶۷	.....	آب (آسمانی - بزرگوار) حضرت بہاء اللہ
۱۵ - ۶۷	.....	ابن (سیح)
۳۶ - ۶۹	.....	ادرنہ
۳۴	.....	ادیان طہورات الہیہ
۳۴	.....	حقائق ادیان نسبی است
۳۶	.....	طہورات الہیہ مستمر است
۳۶	.....	طہورات الہیہ ہموارہ رو بہ تکامل است
۹۱	.....	ارسطو
۶۱	.....	ارض الباء (بیروت)
۹۴	.....	ارض (کرہ)
۵۹	.....	ارض مشیت
۱۴	.....	ارض و السماء (ملا)
۳۴	.....	ارواح مجتہدہ (انبیاء)
۹۴	.....	اروپ
۹۴	.....	اروپائی غربی
۸۷ - ۸۹ - ۹۱	.....	استبدادی (حکومت)
۲۵ - ۵۰	.....	آسند (بزرگ)
۱۱ - ۷۳ - ۷۴ - ۸۷	.....	اسلام
۶۴	.....	اسم اعظم (حضرت بہاء اللہ)

اقدس نازل شدہ است مقرر می‌گردد کہ مشروعات روحانیہ و خیریتہ و ادارہ اش حوال  
آن مجمع می‌باشد مشرق الاذکار و متفرقات آنست .

ارکانی کہ سلطہ اش مستطرد است دو مؤسسہ ولایت امر اللہ بیت عدل عظیم  
است بمقتدا اصلی ضمنی کہ محرک آنست استقرار نظم بدیع جهان آرانی است کہ  
ثالوڈہ آنرا حضرت بہاء اللہ نبیان نہادہ .

روشنی کہ بکار می‌رود و موازینی را کہ القاء می‌نماید آنرا نہ بہ شرق تمایل بسیار  
نہ بہ غرب، نہ بہ یهود و نہ بہ غیر آن، نہ بہ فقیر و نہ بہ غنی، نہ بہ سفید و نہ بہ سیاه پویش  
وحدت عالم انسانی .

علمش صلح اعظم، سرانجامش حلول دورہ ذہبی حسنہ ارسال یعنی پوی  
کہ سلطنت ہامی عالم بہ سلطنت الہیہ کہ سلطنت حضرت بہاء اللہ است تبدیل گردد .

حیفا - فلسطین - ۸ فورہ ۱۹۳۴

شوقی

۸۷-۹۰	اشرافی (حکومت)
۱۵	اشعیا
۲۳	اطیار عرش باقی (انبیاء)
۲۱	اعجام (علاء)
۷-۱۰-۱۲-۲۴-۲۷-۳۷	اعلیٰ (حضرت)
۲۲-۴۴-۴۵-۴۷-۵۰	
۵۱-۵۶-۶۸-۶۹-۷۳-۸۲	
۵۹-۸۱	اخصان
۵۹-۸۱	اقان
۵۷-۵۸-۶۲-۶۳-۶۴	اقدس (کتاب)
۶۵-۷۷-۸۰-۸۱-۸۱-۹۵	مرجع کل کتاب اقدس است.
۸۱	اقطار غربت
۶۹	الفتنه
۵۵	الوہیت
۲۸-۲۹-۳۰-۵۲-۵۵	اطلاق مقام الوہیت بر حضرت بہاء اللہ بیچہ جبارتیت
۲۸-۲۹-۳۰	بعضی آثار حضرت بہاء اللہ در بارہ حقیقت الوہیت
۲۹-۳۰	تفاوت و تمایز کلی حضرت بہاء اللہ با ذات الوہیت
۳۱	
۱۰-۱۱	امامت (سلاط)
۸۷-۸۹	امامت (حکومت)
۵-۷-۶۷	امریک
۵	تقدم پیشرفت امراتہ بر اثر مجہودت اجابای امریک
۹۴	امریکای مرکزی
۸۱	امنای بیت العدل
۷۳	امیر المؤمنین علی (ع)
۳۹	انبیای الہی

۲۶	مقام و موقعیت انبیای بعد
۳۹-۴۰	بلایا و زاریای واردہ بر انبیای الہی
۳۹	انبیاء کل واسطہ فیض الہی ہستند
۳۹	قدیمت ماموریت انبیای الہی
۸-۱۴-۱۵-۷۲	انجیل (کتاب)
۱۴-۱۵	انجیل (ملت)
۲۰-۲۸-۳۵	اهل ارض
۱۰-۲۸-۳۱-۳۲-۳۴-۳۵	اهل بہا - بہائیان
۴۱-۵۰-۵۱-۵۶-۷۲	
۱۰	اهل بہا باید شریعت محمدی مانظور کی متقل و عن عند اللہ دانند.
۳۱-۳۲	وحدت اساس ادیان و استمرار نظریات الہیہ از عقاید اساسیہ اہل بہا.
۵۶	اساس عقاید اہل بہا.
۴۳	اہل بیان
۹۴	اورشلیم
۷۷-۸۱	ایادی امر اللہ (موتسم)
۷۷	این موتسمہ را بدو حضرت بہاء اللہ سپس حضرت عبد بہا تاسیس کردند.
۱۹-۲۵	ایام اللہ
۵-۷۷-۸۰	ایران
۷-۹-۲۹-۳۰-۳۲-۴۴-۶۴	ایقان (کتاب)
۵۹	اکت الشناہ
۱۶	الیسا
۲-۷-۸-۱۰-۱۱-۱۲-۴۱	باب (حضرت)
۴۲-۴۳-۴۴-۴۶-۴۹	
۵۲-۶۶-۶۹-۷۶-۸۹	
۲	حضرت باب افاضہ بر عالمیان با بعضی حال قدم شریک و سپہمند.
	حضرت باب ۲۵ حرف از ۲۷ حرفی را کہ جمیع انبیاء مامور



حضرت باب خود را بیشتر تحقیر حضرت بهاء الله خوانده اند . ۷

حضرت باب تمامی فساد راه من نظیره الله فرموده اند . ۹

عظمت و اهمیت قیام حضرت باب . ۷-۴۲-۴۶-۴۸-۴۹-۵۰

۵۱-۵۲-۵۳

بانگ و خروش حضرت باب و عود بسیاری مملکت یافت . ۴۱

اهمیت مقام اصحاب حضرت باب ( عرفات بیابانه ) . ۴۵-۴۶

حضرت باب دارای دو مقام نظریت و بشریت بودند . ۴۲

حضرت باب با قدرت و اختیارات انبیای اولوالعزم ظاهر شدند . ۴۲

حضرت باب مؤسس شریعت بابی هستند . ۴۱

حضرت باب از جمله مظاہر الهیه و حائز کتبی حقوق رسالتی مستقل اند . ۴۱

مقام آئین حضرت باب شریعت بابی در میان جمیع آسیا و شرایع . ۴۳-۴۴-۴۵

حضرت باب فقط بیشتر حضرت بهاء الله نیستند . ۴۱

بابی - بابیه ( امر - شریعت - آئین ) ۱۱-۴۱-۴۴-۴۷-۷۴

استقلال شریعت بابی ۱۱

بنی اسرائیل ۲۶

مؤتین این ظهور به مقام نبیای بنی اسرائیل رسند اما نه انبیا اولوالعزم . ۲۶

بیان فارسی ( کتاب ) ۷-۸-۲۱-۳۷-۴۱-۵۵-۷۴-۷۶

بیان آنچه در آن است طائف عمل من بطین است . ۷

آیات کتاب بیان درباره مقام من بطین است . ۷-۸-۹

بانیان نظم اداری بابی ۹۲

برای ( کتاب ) ۴۳

تبرج الهی ۱۰

بطهارت ۱۷

بغداد ۴۷

بهاء الله ( حضرت ) ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸

۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۶-۱۹

۲۲-۲۳-۲۴-۲۷-۳۰-۳۱

۳۳-۳۵-۳۶-۴۱-۴۲-۴۶

۴۷-۴۹-۵۰-۵۳-۵۶-۵۷

۵۸-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶

۶۹-۷۱-۷۶-۷۸-۷۹-۸۰

۸۱-۸۸-۸۹-۹۰-۹۲-۹۳

۹۵-۹۶

حضرت بهاء الله موعود کل عصار . ۱۲

عظمت ظهور حضرت بهاء الله در حال و آینه . ۱۲-۱۳-۱۴-۲۴

اثار حضرت بهاء الله درباره اهمیت و قدرت غالبه خویش . ۱۷-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۸

۲۹-۳۰-۳۹

حضرت بهاء الله از روی فساد در سبب حضرت باب نمودند . ۴۷

با صعود حضرت بهاء الله دوره پنجاه ساله وحی کلمی خاتمه یافت . ۶۹

جهانی ( امر - دین - آئین - دور - کور - ظهور اعظم ) ۱۰-۱۱-۱۲-۳۱-۳۲-۴۲-۵۲

۷۳

تاسیس و تحکیم مؤسسات امر بهائی در پیش از پهل کشور . ۵

تقدم امر بهائی بر اثر محمودات اجتناب امر بایک عقل محدود بشری هرگز به جامعیت و عظمت امر بهائی نمی نخواهد برد . ۶

امتداد دور بهائی اقل پانصد هزار سال است . ۱۰

درک اهمیت و مقصود امر بهائی اولین وظیفه اجاست . ۶-۷

ظهورات گذشته کلاماً مقدمه این ظهور اعظم بوده اند . ۱۲

بعضی از آثار حضرت بهاء الله در اهمیت این ظهور اعظم . ۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹

۴۳	در سنجش در ستر نفوس مقدسه تکمیل شدند .
۹۴	نشستن .
۹۴	تشییح .
۱۴	توراة .
۴۴	توارث و تقدّم و لدا شد .
۲-۳-۲۶-۳۶-۵۱-۶۱-۶۸	جمال قدم .
۷۱	
۱۲-۱۴	جمال اقدس ابی .
۲۵-۵۱-۵۶-۶۵-۶۹-۸۵	جمال ابی .
۱۰-۲۵-۴۹-۵۰-۵۱-۵۶	جمال مبارک .
۶۷	جمال الاولی .
۲۰	جمال ذواکمال .
۸۷	جمهوری ( حکومت ) .
۲۸	جوهر انوار .
۳۰	جواهر قدس نورانی ( انبیاء ) .
۱۸	حبیب ( حضرت محمد ) .
۱۶	حجاز ( ارض ) .
۲۱	حروفات بیانیه .
	حروفات بیانیه به صد مرتبه از حروفات فرغانه اعظم و کبرند .
۲۱	اگر حروفات بیانیه اقل من آن در این امر توقف کنند ، از معرضین عند الله محسوبند و از حروف حق محسوب .
۲۱	حکومات دینی .
۸۷	حکومات غیر دینی .
۸۷	حکمل ( خانه ) .
۲۵	

۱۷-۱۸-۱۹-۳۵	توصیف حضرت بهار الله در باره حضرت ظهور خویش .
۱۹	قوانی که در بهیت امر بهائی مستور است .
۲۱	اقتیاز امر بهائی نسبت به ظهورات قبل .
۲۴-۳۴	امر بهائی آخرین ظهور نیست .
۲۴-۲۵-۲۶-۲۷	اهمیت و مقام کور بهائی در حال و آینده .
	نزول مستمر آیات در مدتی قریب به پنجاه سال در کور بهائی از حیث ثمرات و طول مدت و حیثی نظیر است .
۶۹	امر بهائی در صد و اندام اساس روحانی ادیان سابقه نیست .
۳۲	امر بهائی معتقد به وحدت اساس ادیان است و ظهورات الهیه است .
۳۲-۳۳-۴۳	بور و کراسی
۹۰	بنیت العدل ( اعظم عمومی بین المللی ) .
۵-۷۷-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳	
۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۶	
۸۱	انمای بیت العدل آنچه تصویب میمانند مهم اند .
۸۱	هر مسئله غیر مخصوصه به بیت العدل ترجیح است .
۸۱-۸۲	آنچه به بیت العدل تحقق یابد همان حق و مراد الله است .
۸۲	چون بیت العدل واضح قوانین است تاخ آنها نیز تواند بود .
۸۸	اعضای بیت العدل مسئول نتجین خود نیستند .
	الهاماتی که به بیت العدل میرسد روح حیات و شأن این ظهور اعظم است .
۸۸	
۸۹	اعضای بیت العدل در رابط هدایت و الهامات الهیه اند .
۹۰	وضع احکام غیر مخصوصه فقط مختص بیت العدل اعظم است .
۶۱	بیروت .
۷۷-۹۰	بیوت عدل ملی و محلی .
۸۳	بیوت عدل خصوصی ( محافل ملی ) .
۷۳	بطرس .
۴۳-۹۴	تنج ( سنه ) .

۵۶	رت اعلیٰ (حضرت)
۵۷-۵۸	رسالت
۸-۱۰-۱۶-۳۱-۷۳	رسول - رسول الله (حضرت)
۳۳-۳۷-۴۱	رضوان
۱۴	روح الحق
۲۳	روح اعظم
۲۸	روح الارواح
۱۵-۱۸	روح - روح الله (سیح)
۲۳-۳۰	روح القدس
۳۲	روح ایمانی
۹۴	روسته
۹۴	روم غرقی (امپراطوری)
۹	زردشتی (کچی ازاجبا)
۹	زردشتیان (کتاب)
۱۰	بشارات کتب زردشتیان در باره ظهور حضرت بهاء
۳۱	سافج قدیمه
۶۷	ستین (سنه)
۵۹	سدره المنتهی
۵۸	سراقد (حضرت عبدالبهاء)
۶۲	سراقد الاقوم لغت دغم (حضرت عبدالبهاء)
۷۰	سراقد الاعظم (حضرت عبدالبهاء)
۸۷	سلطنتی (حکومت)
۱۶	نیلیمان
۹۳	سیاستون
۶۹	سید کاظم رشتی
۶۹	سیاه چال (زندان)

۲۵	حکلی (برج)
۷۳	حواریون
۶۷	حقی (حروف)
۹۶	حفا
۱۹	خاتم
۲۴-۳۶-۵۲	خاتمیت
	ادیان گذشته بچیک جنبه خاتمیت نداشته و بر حسب تصاد و اتفاق ظاهر نشده اند
۳۴	حضرت بهاء الله داعیه خاتمیت ندارند
۳۴-۳۶-۳۷	حضرت بهاء الله خاتمیتی را که مذاهب سالفه قائلند رد کرده
۵۲	حقی برای خود قائل نیستند
۹۵	خطابات حضرت عبدالبهاء
۲۴-۸۷	خلافت (حکومت)
۱۶	خلیل
۲۰	در بیان اعظم
۶۷	دّم (سوره)
۱-۱۰-۴۲	دور بهائی
۱۰	امتداد دور بهائی اقله پانصد هزار سال است
۲۴-۲۷	دوره میثاق
۱۰	دور و گور محمدی
۸۷-۸۸-۹۰-۹۱	دموکراسی (حکومت)
۲۹	ذات احدیه
۳۰	ذات ازلی
۳۱	ذات ازلیه
۶۸	زب ابجد

۲-۳-۹-۱۲-۲۴-۲۷-۳۵	عبدالجبار (حضرت)
۴۲-۴۴-۵۰-۵۱-۵۲-۵۴	
۵۵-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-	
۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۶-	
۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-	
۷۲-۷۷-۷۹-۸۰-۸۱-	
۸۳-۸۴-۸۵-۸۶	
۵۳-۵۴-۵۵	شان و مقام حضرت عبدالبهاء
۵۳	مقام فرید حضرت عبدالبهاء در سلسله سراج اودمان
۵۳	مقام حضرت عبدالبهاء کاملاً با مقام مؤتسس و تبشیر امر بهائی متفاوت است
۵۶-۶۲-۶۵-۶۶	بعضی از آثار حضرت عبدالبهاء درباره مقام خودش
۶۵-۶۶-۶۷	تشریح مقام حضرت عبدالبهاء و ولایت حضرت ولی مرتبه
۶۵	حضرت عبدالبهاء نفس حضرت بهاء الله استند
۶۶	مقام حضرت عبدالبهاء مافوق حضرت باب تلبیت بلکه حکس آن صحیح است
۶۷	حضرت عبدالبهاء از جمله منظر الهیه هستند بلکه مستقیماً از شارع امر بهائی اقتباس نور و الهام می نمایند
۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲	مقام - شان - قدرت و اختیارات حضرت عبدالبهاء در آثار مختلفه حضرت بهاء الله
۶۵	عبودیت
۸۸	عرفی (حکومت)
۳	عصر انتقال
۳-۷۰-۹۴	عصر تکوین
۷۰	عصر تکوین و عصر ذهبی با عصر رسولی برابر نیستند
۹۴	عصر تکوین به ارتفاع نظم اداری مختص شده

۹	سناء
۵۲	شارع آیین بهائی
۱۱	شریعت محمدی
۱۰	شمس حقیقت
۵۶	شمس حقیقت ساطع از برج حقیقت (حضرت بهاء الله)
۵۶	شمس حقیقت لامع از برج حقیقت (حضرت اعلی)
۶۹	شمس هدایت الهیه
۸۵-۹۶	شوقی افندی (حضرت ولی امر الله)
	تقاضای حضرت ولی امر الله از اجبا که ایشان را فقط شوقی خوانند
۸۵	شیخ احمد (احسانی)
۶۹	شیراز
۶۹	صبر (سوره)
۳۷	صلح عظیم
۹۶	صندوق خیریه محلی
۷۲	تاسیس اداره صندوق خیریه توسط پاره ای از مخالفان روحانی ایران به دست حضرت عبدالبهاء
۷۷	صهیون
۱۵-۱۶	ظفت (ارض)
۴۰	طلعت الاخری
۶۷	طور
۹-۱۵-۳۰-۴۸	طهران
۶۹	طورات الهیه
۳۸	آثار تدبیری طورات الهیه
۳۸	

۴۶	قائم
۴۸	قائم آل محمد
۹۴	قاجاریه (سلسله)
۴۹-۷۳	قرآن
۲۴	قرآنیہ (آیات)
۲۵	قرن اشراق
۱	قرن اول دور بہائی
۶۵	قرن اول مسیحی
۹۰	قسنسی (عرفہ)
۱۹-۲۲-۶۶	قدم اعلیٰ
۱۴	قدم القدس
۵۸	قمر سما، دین شرع مقدس (حضرت عبدالبہاء)
۹-۴۷	قتیوم الاسماء (تفسیر سورہ یوسف)
۹	کتاب قیوم الاسماء اول اعظم و البرج کتب حضرت باب بہت
۱۵	کرمل
۱	کرم جلیل الہی
۱۵	کعبتہ اللہ
۱۴	کلام اللہ
۳۵	کلمات مکنونہ
۴۷	کلمہ علیا (حضرت باب)
۱۶-۱۸	کلیم (حضرت موسیٰ)
۲۶	کور بہائی
۲۸	کور جہانی از حیث علوشان و عظمت بی نظیر است
۲۸	کور مقدس
۱۶	کوم اللہ
۶۴	لسان قدم

۳-۷۰	عصر ذہبی
۲-۴-۷۰	عصر رسولی
۷۰	اہمیت عصر رسولی
۳۵	عقبتہ زمردی وفا
۱۶-۶۹	عکا
۲۰-۲۱-۲۶	علو مقام مؤمن حقیقی
۵۷-۵۹-۶۳-۷۳	عهد کتاب
۵۳-۵۷-۶۶-۷۱-۷۳	عهد میثاق
۳۲	عیسی (مسیح)
۹۰	عشا ربانی
۹۰	غسل تعمید
۵۷-۵۹-۶۳-۶۴-۶۵	غصن (سورہ - لوح)
۵۹-۷۵	غصن (حضرت عبدالبہاء)
۵۸	غصن اعظم منشعب از اصل قدم (حضرت عبدالبہاء)
۵۹	غصن اعظم (حضرت عبدالبہاء)
۵۹	غصن القدس (حضرت عبدالبہاء)
۵۸-۵۹	غصن الامر (حضرت عبدالبہاء)
۶۲	غصن اللہ الاعظم لعلیم (حضرت عبدالبہاء)
۲۹	غیب ہوتہ
۵۹	فرع منشعب من ہذا الاصل الفت دم (حضرت عبدالبہاء)
۸۲	فرع مقدس (حضرت ولی امر اللہ)
۳۹	فرعون
۱۴-۵۵	فرقان
۹۶	فاسطین
۹۶	فوزیہ
۷	قائم موعود

۵	مشرق الاذکار ایران
۹۶	مشرق الاذکار
۹۶	استقرار مؤسسات خیریه و اداری حول مشارق اذکار
۹۶	مشروعات خیریه
۸۹	مشروطه (حکومت)
۹۴	مصر
۸۷	مطلقة (حکومت)
۵۲	منظر قوه سرتیه معسویه (حضرت بهاء الله)
۵۵	منظریت الهیه
۵۵-۶۹	قبل از انقضای شماره سال کامل ادعای منظریت الهیه باطل است
۵۴	مقناطیس
۵	مقام سلطنت (ملکه رومانی)
۲۶	مقام مومنین این ظهور
۵۹	مقصد الاقصی الاقصی
۲۱	ملا الاعجام
۱۵	ملکوت الله
۵۶-۹۵	ملکوت ابهی
۱	ممالک غربیه
۵۸-۵۹	من اراده الله (حضرت عبدالهیا)
۵۸-۶۱	من طاف حول الاسماء (حضرت عبدالهیا)
۷-۸-۳۸-۷۶	من یخسر الله
	شون - مقامات - اہمیت عظمت - من یظہر الله در آثار
۷-۸-۹-۳۸	حضرت باب
۹	حضرت باب تمامی فد ا در راه من ظہرہ الله نمودند
۳	مؤسسات، مشروعات بہتہ از امتیازات حصر ماست
۹۲	موتسین نظم بدیع
۱۸-۳۰-۳۲	موسیقی (حضرت)

۱۸	ماہ
۵۰	مازندران
۴۸	ماکو (سجن)
۹۲	مبلغین سیار
۵۴-۵۶	مبتین آیات الله (حضرت عبدالهیا)
۵۸	مبتین مصون از خطا (حضرت عبدالهیا)
۵۸	مشعل اعلی (حضرت عبدالهیا)
۱۵	مدینتہ الله
۵۸	مرآت
۲-۶۲-۷۷-۷۸-۸۴	مرکز میثاق
۷۷	مخاض روحانی محلی و ملی
	مخاض روحانی محلی و ملی در زمان حضرت عبدالهیا در حد جنین خود بر ایفای وظایف میسر و نجاتند
۷۷	حاکم بن الملکی
۵	محمد (حضرت)
۸-۱۶-۱۸-۷۳-۷۴	محمد شاه (قاجار)
۴۸	محمدی (دور و کور)
۱۰	محمدی (شریعت)
۱۱	مرایمی اولیہ ازلیہ (انبیاء)
۳۱	مسیح (امت)
۱۴	مسیح (حضرت)
۱۴-۱۵-۱۸-۶۵-۶۸-۷۳-۷۴	مسیح موعود
۶۸	مسیحیت
۷۳-۷۴-۹۴	مسیحی (تشکیلات کلیسایی)
۸۷	مسجد اقصی
۱۷	مشرق الاذکار غرب (اولین)
۵	

۸۷	هیچیک از سیستم های حکومت مذهبی مطابق و مماثل نظم اداری بهائی نیستند .
۸۷	نظم بدیع بهان مدنیت الهیه است که امر بهائی باید در روی زمین مستقر سازد .
۸۷	هیچیک از انظمه گذشته و حال ، شرقی و غربی واجه استحکام اساس قدرت و فضائل کمون نیستند .
۸۷	قیاس نظم اداری الهی با نظامات متوجه بشری کاملاً نطاکست .
۸۷	حکومت متحده آینه بهائی نظراً و عملاً فرید و وحید است .
۸۷	نظم اداری در تشکیلات ادیان معتبره عالم بی نظیر است .
۸۸-۹۱	نظم اداری بهائی حاوی عناصر سلیمه نظمنه موجوده است .
۸۸	نظم بدیع مبتنی بر دو مکر اسی صرف نیست .
۸۸	نظم بدیع نظیر حکومت استبدادی مطلقه یا حکومت مطلقه دینی نیست .
۸۹	نظم اداری با هیچیک از حکومت اشرفی مماثل نیست .
۹۰	نظم اداری بهائی با انظمه مذکوره در آثار ارسطو قابل قیاس نیست .
۹۱	نظم بدیع چون از عیوب نظریه انظمه سابقه منبری است ، به فساد نخواهد گرایید .
۹۱	هر قدر نظم اداری تحکیم یابد معا پر عیسیتقه مذهبی و عرفی روبرو تجزیه و تحلیل میروند .
۹۲	عناصر و عوامل و موجبات متعددی که آیات قدرت نظم اعظم الهی را ثابت میکنند .
۹۳-۹۴	عوامل و حلال فساد انظمه قدیمه و ارتفاع تدریجی نظم بدیع الهی .
۹۵	نظم اداری بهائی بمنزله صدق برای حفظ گوهر امر الهیه است .
۹۵	نظم اداری حاصل اصلی ورود امر بهائی به مرحله نهائی است .
۹۵	نظم اداری در مرحله طفولیت است .
۹۵	نظم بدیع به صخره مشیت نایبه الهیه استوار است .

۹۳	موطن اصلی جمال قدم (ایران)
۱۲	موجود کل اعصار .
۱	می (ماه) .
۲۴-۸۱	میشاق .
۶۱	میرزا آقا جان (کاتب وحی) .
۵۶-۶۶	ناقضین میشاق .
۱۴	نبا عظیم .
۱۰	نبوت قدیمه .
۴۲-۴۳	نبیل (تاریخ) .
۸	نصاری .
۲-۴-۲۲-۲۸-۳۲-۶۹-۷۲	نظم بدیع - نظم اداری - نظم اعظم الهی .
۷۳-۸۴-۸۶-۹۰	نظم اداری بمنزله قالب الوح و صایاست .
۷۲	نظم اداری اساساً با آنچه بهای سلف وضع کرده اند فرق دارد .
۷۲	اهمیت و نقش نظم اداری در حال و آینده .
۵۳-۷۲-۷۶-۷۷	اصول نظم بدیع در کلیه ادیان سابقه است .
۷۳-۷۴-۷۵	آثار و علامت اولیه جریان نظم اداری .
۷۷	ولایت امر و بیت العدل دو رکن اساسی نظم اداری بهائی .
۷۸	نظم بدیع شالوده حکومت جهانی در آینده ایام .
۷۶	حضرت باب نظم بدیع را ستایش فرموده اند .
۷۶	و مخالفان اساسی دو رکن مهم نظم اداری .
۷۸	درک عظمت نظم بدیع اکنون قیصریت .
۷۸	دو مؤسسه نظم بدیع (ولایت و بیت العدل) اساسش عشق است .
۷۸	و مخالفان دو مؤسسه مذکوره نظیر و ضروری و مرام و مقصدشان
۷۹	کمال یکدیگر است .

۷۱	الواح وصایا و ولید عهد و میثاق است .
۷۱	الواح وصایا دستور نظم بدیع و افتخار این کور عظم است .
۷۷	ولد ارشد .
۸۰	ولد بکر .
۶-۷۷-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳	ولی امر الله - ولایت امر الله
۸۴-۸۵-۸۶-۸۹-۹۰-۹۱	اساس ولایت امر الله در کتاب قدس تلویحا اخبار شده .
۷۷	ولایت امر و بیت العدل دورکن اساسی تقسیم بدیع .
۷۸	ولی امر مبتین آیات الله است .
۸۰-۸۲-۸۳	امتیازات مؤتسسه ولایت امر الله .
۸۰	وظائف ولی امر الله .
۸۰	مناسبات ولی امر الله با بیت العدل عظیم .
۸۳	حضرت عبدالبهاء مدتها قبل از صعود اخبار از ولی امر الله فرموده بودند .
۸۳	ولی امر الله رئیس لا ینزل بیت العدل عظیم .
۸۳	ولی امر الله به تنهایی حق وضع قوانین را ولو بطور موقت ندارد .
۸۳	مقام ولی امر الله هرگز نباید به مقام مرکز میثاق و منظر ظهور ترفیع داده شود .
۸۴	فاصله میان حضرت عبدالبهاء و منظر ظهور - مرکز میثاق با ولی امر الله .
۸۴	ولی امر الله مثل اعدای دیانت بهائی نیست .
۸۵	ولی امر در رتبه و حدودات بشری واقف است .
۸۵	ولی امر هیچ چه نمیتواند حقوق و امتیازات حضرت عبدالبهاء را به خود نسبت دهد .
۸۵	اموری که نسبت به ولی امر الله نباید مجسری کرد .

۹۵	منج الهام نظم اداری حضرت بهاء الله است .
۹۵	ظهور و نشو و نما ی نظم اداری نتیجه اهراق دم بسیت هزار شهادی ایران است .
۹۵	مؤسسات نظم اداری طائف حول مضامین حکمه الواح وصایا
۹۵	تقریرات قرار مؤسسات خیریه و اداری نظم بدیع حول میثاق
۹۶	اذکار است .
۹۶	سلطه نظم بدیع به دورکن ولایت و بیت العدل مستطرا
۹۶	شعار نظم بدیع وحدت عالم انسانی است .
۹۶	سرانجام نظم بدیع حلول دوره ذہبی چهار ساله و تبدیل سلطنت ای عالم به سلطنت الیه است .
۹۶	نفس عظیم (حضرت بهاء الله)
۲۸	نقطه - نقطه اولی .
۲-۱۰-۱۸-۴۷-۵۰-۶۶	مخروء .
۳۹	نیم کره جنوبی .
۵	وادی مقدس .
۱۵	وحدت وجود .
۲۹	وحدت معنوی خداوند و مظاهر مقدسه .
۶۴	وحد (ستید کجی دارابی) .
۸	ورقار ایک بقا (حضرت بهاء الله) .
۵۹	ورقه علیا (حضرت) .
۲	ورق هشتم از فردوس اصلی .
۸۱	وصایا (الواح) .
۲-۳-۴-۴۲-۴۹-۵۱-۵۶	الواح وصایا عصر گذشته را با عصر کنونی مرتبط سازد .
۲۰-۷۳-۷۸-۸۱-۸۴-۹۵	الواح وصایا حلقه ارتباط ابدی بین عصا ثلاثه است .
۳	اهمیت الواح وصایا در امر بهائی .
۷۰	
۷۰-۷۱	



بنام حضرت دوست

باسرور فراوان جمال قدس ابی اسپاس میگوئیم که این بجهت را به نشر جدید ترجمه فارسی توفیق منبع (دوره بانی) مؤلف  
 این سفر خلیل در سال ۱۹۳۴ میلادی به زبان انگلیسی تحت عنوان The Dispensation of Bahá'u'lláh از قلم  
 حضرت شوقی ربانی ولی امر الله ارواحنا فداه خطاب به (اجتبابی الهی اما در زمانی در ممالک غربیه) صادر شد .  
 این توفیق منبع چند سال بعد توسط بجهت ملی ترجمه آثار امری ایران به زبان فارسی ترجمه شد و در سال ۱۱۱ بدیع تحت  
 عنوان (دوره بانی) بوسیله بجهت نشر آثار امری ایران منتشر گردید. همین ترجمه در سال ۱۱۴ بدیع برای دومین بار  
 علناً توسط مؤسسه مطبوعات در دهلی نوبه چاپ رسید .

چون سالها از نشر اول دوم این سفر کریم میگذشت و نسخ آن نایاب شده بود این بجهت (در صد تجدید چاپ)  
 آن برآمد و بالکنت دایره محترم مطالعه نصوص الواح مرکز جهانی بهانی اصول بسیاری از آثار طبعات قدسیه  
 (حضرت بهاء الله، حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء) که در این توفیق مبارک نقل شده بدست آمد و به جای ترجمه  
 آنها که در نشر اول دوم چاپ شده بود درج شد .

در نشر حاضر اصول بدست آمده فوق الذکر در دخل علامت « » درج شده و در انتهای تالی که اصل آنها بد  
 نیامده کلمه (ترجمه) ذکر شده است . به نشر جدید فهرست اعلام و اصطلاحات و هم ضمیمه اضافه شده که امید است  
 و سید موثری برای مطالعه و یافتن مطالب این توفیق منبع باشد .

لازم میدانیم عموم کسانی را که بخوبی از انحاء در نشر جدید این سفر کریم ما را یاری نموده اند سپاس میگوئیم و توفیق آنان را مستند  
 امید داریم نشر جدید این توفیق مبارک که با خط زیبای نستعلیق خطاطی شده و در کتبی جمیل عرضه میشود مورد توجه آتبا  
 عزیز ایرانی قرار گیرد و با مطالعه دقیق و عمیق آن مذاق جان حلاوت بی پایان بخشند .

لاگنهاین - آلمان غربی  
 ۱۴۴ بدیع - ۱۹۸۸ میلادی  
 بجهت نشر آثار امری به زبانهای فارسی و عربی

مقام ولی امر الله مادون مقام حضرت بهاء الله و حضرت

- عبدالبهاء است . ۸۶
- مقام - اختیارات و قدرت ولی امر الله . ۸۳ - ۸۹ - ۹۰
- هجری (سنه) ۱۰
- هیئت (جامعه) ۸۹
- هیئت عالیہ تفتیشیہ ۹۰
- هیئت شعبین ۸۹
- هیماکل قدسیه (انبیاء) ۳۱
- هیکل (سوره) ۲۳ - ۳۷ - ۶۶
- سوز و هیکل یکی از معتبرین آثار حضرت بهاء الله است . ۲۳
- هیکل المقدس الابهی (حضرت عبدالبهاء) . ۵۹
- یهود . ۹۶
- یهوه . ۱۴
- یوم الایام ۱۲